

پدران و مسئولان؛ مهربانی برای فرزند خود، اما خشونت برای مردم

میرسلیم در واکنش به دستگیری پسرش به دلیل ارتباط با گروه‌های تروریستی گفت که از ضابطان امنیتی انتقاد کرده که چرا به او کمک نکرده‌اند تا در دام منافقین نیفتد. این در حالی است که همین فرد پیشتر در مورد دستگیرشدگان ناآرامی‌های ۱۴۰۱ گفته بود که فاصله بین دستگیری و اعدام باید به ۵ تا ۱۰ روز محدود شود. این تضاد در نگاه به فرزند خود و مردم عادی، پرسش‌های بسیاری درباره عدالت و همدلی در جامعه ایجاد می‌کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، آقای مصطفی میرسلیم، سیاستمدار اصولگرا، در پاسخ به سوالی درباره پسرش که به اتهام ارتباط با سازمان تروریستی مجاهدین خلق دستگیر، محاکمه و زندانی و سپس عفو شده بود، گفته است: «به ضابطین ایراد گرفتم که چرا به پسرم کمک نکردند تا در دام منافقین نیفتد؟ پسرم روحیه حساسی دارد.»

بنا به روایت عصرایران، این سخن را داشته باشید تا برگردیم به آذر ماه ۲ سال پیش که میرسلیم درباره کسانی که در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ دستگیر می‌شدند چنین گفته بود: «فاصله بین دستگیری عوامل ناآرامی‌ها تا اعدام آنها بسیار زیاد است و باید در فاصله ۵ یا ۱۰ روز بعد از دستگیری اعدام شوند.»

می‌بینید؟! پسران و دختران مسوولان، روحیه‌های حساس دارند و حتی اگر با سازمان تروریستی رجوی هم مرتبط باشند، این ضابطان امنیتی هستند که کوتاهی کرده و روحیه لطیف آنها را نادیده گرفته‌اند ولی پسران و دختران مردم عادی، زامبی‌هایی هستند که اصلاً نمی‌دانند روحیه حساس یعنی چه؟ و اگر خطایی کردند، به زعم جناب میرسلیم، باید به فاصله ۵ تا ۱۰ روز پس از دستگیری، طناب دار را دور گردن شان بیچند و با لگد بکوبند به چهارپایه زیر پایشان!

حمایتگری پدر و مادر از فرزندشان و نگاه مهربانانه و اغماض گرایانه نسبت به او، یکی از زیبایی‌های حیاتبخش خلقت است که اگر نبود، نسل بشر نمی‌توانست از فراز و نشیب هزاره‌ها جان سالم به در ببرد. نکته اینجاست که همان پدر یا مادر، وقتی از خانه خارج می‌شود و فراتر از وظیفه‌ای که در قبال خانواده خودش دارد، عهده دار مسوولیتی در عرصه عمومی می‌شود، باید همان نگاه حامی، مهربان و بخشایشگر را در سطح کل جامعه داشته باشد.

مسوولی که مردم را خانواده خود نداند و آنان را رعایایی فرض کند که زیر دست اویند و با کوچک‌ترین خطا باید مجازات شوند، نه می‌داند انسانیت چیست، نه می‌فهمد مسوولیت کدام است و اگر ادعای تدین هم داشته باشد، حتی نمی‌داند دین کدام است.

اگر میرسلیم و میرسلیم‌ها، همان نگاهی که به پسران و دختران خود دارند به پسران و دختران بقیه داشتند، اکنون همبستگی ملی، سرمایه اعتماد اجتماعی و پیوند بین حکومت و مردم، بسیار قدرتمند بود و ایران، در جای بهتری از آنچه هست ایستاده بود.

اما دریغ که خطاهای مردمان عادی، ذنب لایغفر می‌شود ولی اگر پسر میرسلیم یا محسن رضایی، رسماً با جریان‌های ضدانقلاب و برانداز خارج نشین پیوند بخورند، مشمول اغماض و عفو می‌شوند که البته این دومی درست‌تر است و ای کاش این دیده‌خطاپوش، شامل همه مردم می‌شد و همه را مانند اهل خانه خود می‌دیدند.

سخن را با فرازی از نامه بی‌نظیر، تاریخی و راهگشای انسان کامل، حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر -که از جانب ایشان به ولایت مصر منصوب شده بود- به پایان می‌رسانیم که چه نیکو، حاکمان را به مهرورزی با «همه مردم» فراخوانده است:

ای مالک! مهربانی به مردم و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز.

چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان (مردم) دو گروهند یا در دین با تو برادرند و یا در آفرینش با تو برابر.

از مردم خطاها سر خواهد زد و لغزش‌هایی کنند، پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد.

هر گاه کسی را بخشودی، از کرده خود پشیمان مشو و هر گاه کسی را عقوبت نمودی، از کرده خود شادمان مباش.

هرگز به خشمی، که از آن، امکان‌رهایی هست، مشتتاب و مگوی که مرا بر شما امیر ساخته‌اند و باید فرمان من اطاعت شود. زیرا، چنین پنداری سبب فساد دل و سستی دین و نزدیک شدن دگرگونی‌ها در نعمت هاست.